



تزئینات گچی و گچبری در بیشاپور براساس نویافته‌های نهمین فصل کاوش

مصیب امیری^۱

(صص: ۱۸۷ - ۱۶۹)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۹

شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.4.11.169

چکیده

استفاده از گچ به‌عنوان تزئینات در ساختمان‌ها عمری طولانی دارد. بررسی آثار بازمانده از دوره‌های تاریخی نشان می‌دهد که هنر گچبری از عصر اشکانیان روشمند و از اسلوب ویژه برخوردار شده است. این روش‌ها در عصر ساسانیان رو به تکامل نهاده و در دوران اسلامی با تغییراتی تداوم یافت. دانسته‌های ما از هنر تزئینات گچبری دوره ساسانی بیشتر براساس کاوش چند محوطه مهم این دوره از جمله شهر تاریخی بیشاپور است. بیشاپور مرکز کوره‌شاپور یکی از کوره‌های ایالت‌های پنج‌گانه پارس به حساب می‌آمد در زمان «شاپور اول» دومین شاهنشاه ساسانی تأسیس شد. در کاوش بیشاپور درکنار تابلوهای موزاییک منحصر به فرد، گچبری و رنگ‌آمیزی روی گچ، به‌ویژه در بخش ارگ شاهی به دست آمده است. یافته‌های مهمی از جمله آشکار شدن فضاهای معماری در جنوب ایوان موزاییک در بخشی موسوم به «ارگ شاهی» و یافته‌های سنگی از قبیل: هاون، خونک، پیکره‌های سنگی از جنس سنگ مرمر و مهره‌های تزئینی، کوره شیشه‌گری و قطعات ظروف شیشه‌ای، سفال و فلز از جمله آثاری هستند که در کاوش فصل نهم به دست آمده است. مهم‌ترین آثار معماری به دست آمده عبارتند از: راهروهای ضلع جنوبی ایوان موزاییک، اتاق‌های همراه با طاقچه‌های گچبری که بعضاً با رنگ قرمز از جنس گل اخرا نقاشی و تزئین شده‌اند و هم‌چنین در این اتاق‌ها اندود گچ دیوارها و اندود گچی کف فضاهای معماری نیز به دست آمده است. گچبری‌های به دست آمده بیشتر نوارهای موازی که بیشتر در حاشیه طاقچه‌ها و ورودی‌ها به کار می‌رفته را شامل می‌شود. تزئینات گچی ایوان موزاییک شامل: اندود گچ و رنگ‌آمیزی روی اندود و هم‌چنین آثار و بقایای گچبری است. حال، پرسش اصلی در این پژوهش با این نظر که این قطعات همگی متعلق به دوره ساسانی هستند، با چه روشی ساخته شده‌اند؟ در این مقاله روش یافته‌اندوزی داده‌ها به دو شیوه میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته و کوشش شده است تا این یافته‌ها در بستر هنر گچبری دوره ساسانی شهر تاریخی بیشاپور معرفی و تجزیه و تحلیل شود.

کلیدواژگان: دوره ساسانی، بیشاپور، تزئینات معماری، گچبری.

۱. استادیار گروه تاریخی، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.
amiri_m27@yahoo.com

مقدمه

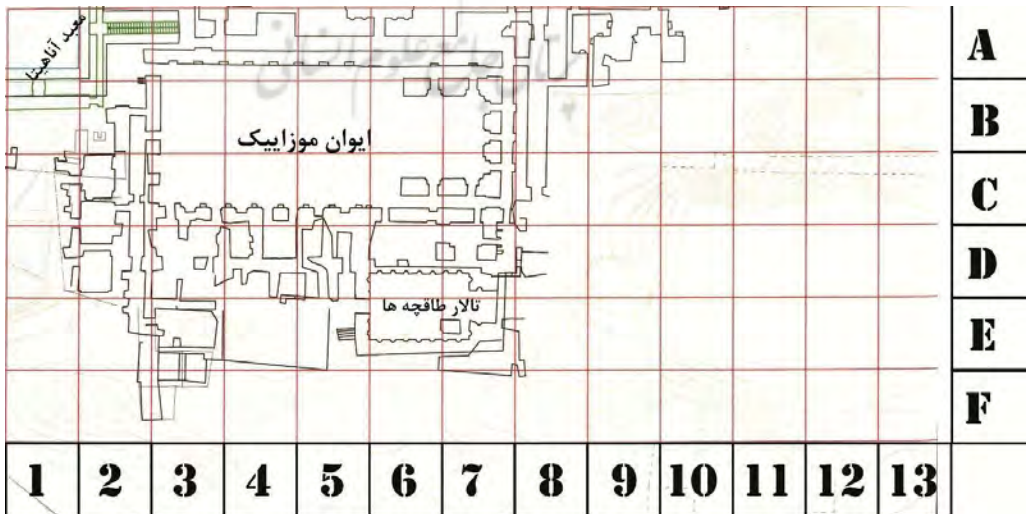
شهر بیشاپور با مساحتی در حدود ۱۵۵ هکتار آن چنان وسعتی را به خود اختصاص داده است که انجام یک کاوش همه جانبه در این محوطه برای کوتاه مدت ناممکن شده است (تصویر ۱). برنامه کاوش فصل نهم از تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱ آغاز و تا تاریخ ۱۳۹۰/۴/۱۵ به طول انجامید. در این فصل کاوش تعداد ۱۱ نفر از کارشناسان علوم مربوطه از جمله باستان شناس، مرمتگر، معمار و نقشه بردار به خدمت گرفته شدند؛ هم چنین در فصل نهم از کاوش شهر تاریخی بیشاپور ۵۰ نفر کارگرفنی کاوش و کارگر ساده بومی مشغول به کار بودند.

مهم ترین اهداف فصل نهم کاوش، مشخص کردن فضاهای قابل دسترسی و اطراف ایوان موزاییک بود و بسته به پی گیری دیوارها و پی بناها مساحت بخش کاوش شده گسترش می یافت (تصویر ۲)؛ نخست این که، فضاهای اطراف درالگوی گسترش بخش کاوش شده در فصل نهم براساس گمانه ها بود. فعالیت های انجام شده در فصل نهم کاوش در شهر تاریخی بیشاپور شامل پاکسازی گمانه ها نیز بود. گمانه های فصول قبل که توسط کاوشگران پیشین در آن ها کاوش انجام شده بود نیز احتیاج به پاکسازی از نخاله و آواربرداری دیواره هایی که به مرور زمان ریزش کرده بودند، داشت و هم چنین بایستی مرمت های اضطراری نیز در این گمانه ها انجام می شد. در شبکه های E-11، E-12، D-13، D-12، D-11، D-1، C-7، C-6، C-4، C-3، C-1، B-2، B-1 و E-13 تنها پاکسازی و آواربرداری شد و عملیات مرمت اضطراری نیز انجام گرفت. گمانه های D-3، E-4، E-2، E-1، D-8، D-5، D-4، E-5 و E-4 به طور کامل تا کف ساختمان و سطح دوره استقراری ساسانی کاوش شدند. در شبکه های E-7، E-6، D-7، D-6، D-2، C-8، C-5، C-2، E-8 بنا به ضرورت، بخشی از شبکه کاوش و بخشی پاکسازی شد؛ اما در فصل نهم بنا به برنامه ریزی جهت گسترش کاوش و پژوهش در سال های آینده در تعدادی از گمانه ها، گمانه زنی انجام شد؛ از جمله در بخش هایی که در نقشه با مربع های شماره F-11، F-8، F-7، F-3، F-2، C-12، C-11 و F-12 مشخص شده، گمانه هایی زده شد.

مهم ترین اشیاء به دست آمده از کاوش عبارتند از: سه قطعه از پیکره انسانی مرد و هم چنین یک قطعه پیکره انسانی زن که از جنس سنگ مرمر هستند. قطعات فلزی از دیگر یافته هایی بود که در فصل نهم کاوش شهر تاریخی بیشاپور آمار قابل توجهی از یافته های باستان شناختی را به خود اختصاص داده بود. یافته های فلزی به دست آمده به ترتیب فراوانی آن از جنس فلزات آهن، مس و نقره هستند. دو سرپیکان تیرکمان، تیغه خنجر و سرنیزه، گل میخ های تزئینی، چفت و بست درهای چوبی، گلوله های درون زنگوله، و میخ های کوچک و میخ های بزرگ (میخ طولیه) که همگی از جنس آهن هستند. در میان قطعاتی که از جنس آهن به دست آمده سرباره آهن هم دیده شده است. یافته های مسی بعد از قطعات به دست آمده آهن بیشترین یافته های فلزی این فصل کاوش شهر تاریخی بیشاپور هستند. قطعات مسی به دست آمده شامل: سکه های مسی، تراشه های مسی، شی مسی شبیه به قاشق، زنگوله، شی شبیه به ترازو، قطعات سرباره، حلقه های مسی و انگشتری است. اشیاء سنگی به دست آمده از فصل نهم از لحاظ کاربردی به دو دسته تقسیم می شوند (امیری و برفی، ۱۳۹۴). علاوه بر این یافته ها، چندین کوزه و خمره سفالی، به ابعاد مختلف از عمده ترین اشیاء فصل نهم کاوش شهر تاریخی بیشاپور محسوب می شوند. در همین فصل کاوش برای نخستین بار تمام قطعات سفال حاصل از کاوش جمع آوری، شست و شو و طبقه بندی شده اند (امیری، ۱۳۹۱). دسته نخست، اشیاء تزئینی مانند پیکره ها و سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی که شامل سنگ های عقیق انگشتری و مهره گردن بند و هم چنین سنگ فیروزه هستند؛ و دسته دوم، شامل سینی های روغن گیری، هاون ها و میزهای سنگی که در میان بومیان به «خونک» شهرت دارد. هم چنین قطعات زیادی از ظروف شکسته شده شیشه ای به همراه یک کوره شیشه در فصل



تصویر ۱. عکس هوایی شهر تاریخی بیشاپور، محدوده ارگ شاهی با دایره مشخص شده و محدوده کاوش فصل نهم با رنگ مشکی مشخص شده است (نگارنده، ۱۳۹۳).



تصویر ۲. شبکه بندی و نام گذاری گمانه های فصل نهم کاوش در بخش جنوبی ایوان موزاییک (نگارنده، ۱۳۹۳).

نهم کاوش شهر تاریخی بیشاپور به دست آمد. در همین فصل کاوش قطعات زیادی از جوش کوره شیشه و قطعه‌ای موزاییک کار شده به دست آمد (امیری و برفی، ۱۳۹۴). مهم‌ترین آثار معماری به دست آمده عبارتند از: راهروهای ضلع جنوبی ایوان موزاییک، اتاق‌های همراه با طاقچه‌های گچبری که بعضاً با رنگ قرمز از جنس گِل اُخرا نقاشی و تزئین شده‌اند. قطعات گچبری از دیگر یافته‌های به دست آمده در این فصل کاوش شهر تاریخی بیشاپور بود که هدف این نوشتار معرفی و طبقه‌بندی این یافته‌های گچی است.

پرسش پژوهش: پرسش اصلی در این پژوهش با این نظر که این قطعات همگی متعلق به دوره ساسانی هستند، با چه روشی ساخته شده‌اند؟

روش پژوهش: پژوهش حاضر دارای نظام کیفی و راهبردی است و براساس هدف‌های بنیادی صورت‌گرفته و از نظر روش، تاریخی است. روش یافته‌اندوزی داده‌ها به دو شیوه میدانی و کتابخانه‌ای صورت‌گرفته است. در شیوه میدانی، به بررسی و مطالعه نمونه‌های مورد نظر پرداخته شده است. اساس تحلیل‌ها، بیشتر متکی بر اطلاعات و یافته‌های درونی است و روش دوم کتابخانه‌ای است که با تطبیق و مقایسه داده‌های هم‌زمان و با تطبیق و تحلیل آن‌ها، به نتیجه‌گیری پرداخته است.

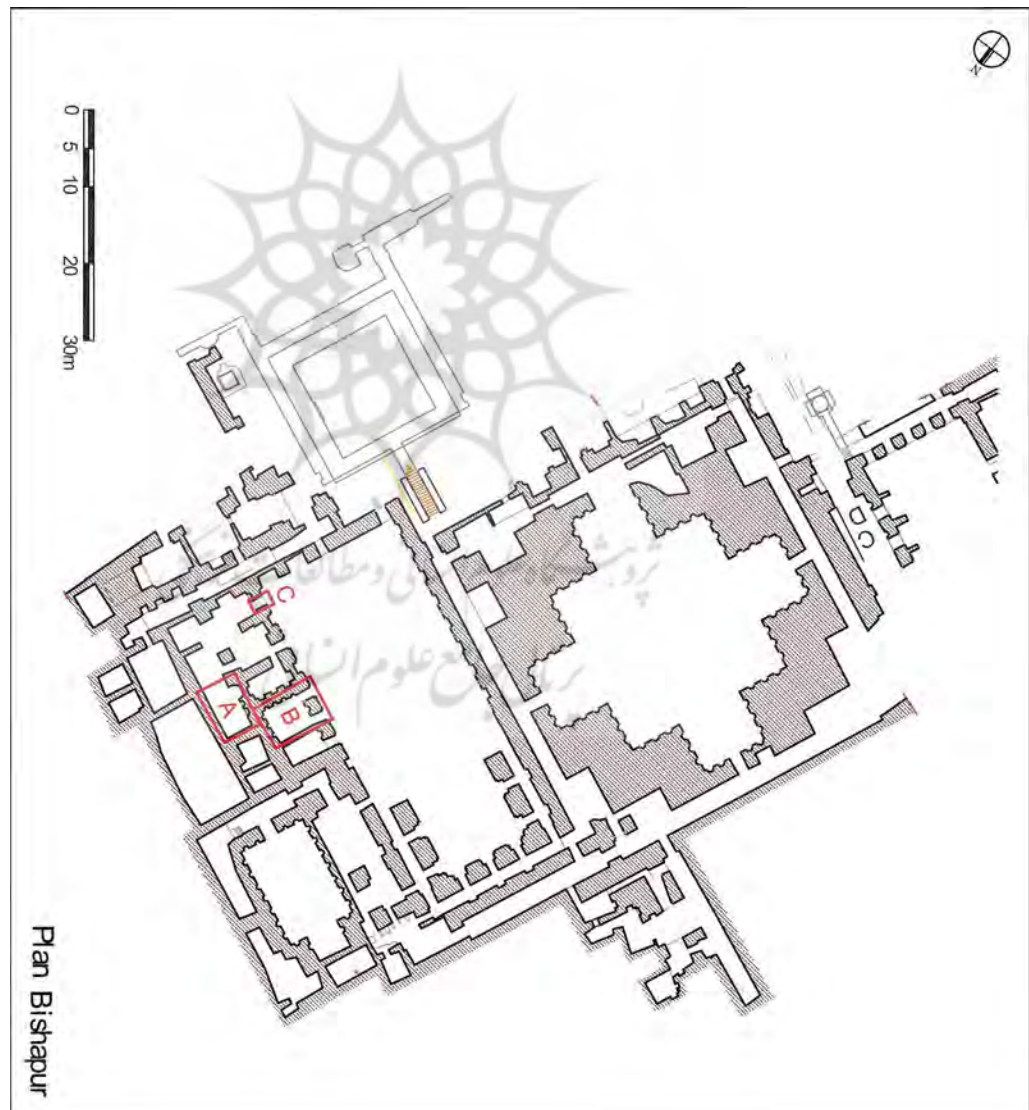
پیشینه پژوهش در شهر تاریخی بیشاپور و گچبری‌های ساسانی

کاوش‌های باستان‌شناختی شهر تاریخی بیشاپور از سال ۱۳۱۹ ه.ش. به همت بخش آسیایی «موزه لوور» آغاز گردید که نخستین مرحله عملیات کاوش توسط «ژرژ سال» در سال ۱۹۳۵ م. به انجام رسید (واندنبگ، ۱۳۷۹). این کاوش آغازکننده مرحله‌ای از پژوهش‌هایی شد که بنیان کاوش‌های بعدی در این شهر تاریخی بود (گریشمن، ۱۳۷۹). در کل «رومن گریشمن» و ژرژ سال، طی دو فصل در سال‌های ۳۶-۱۹۳۵ و ۳۷-۱۹۳۶ م. شهر باستانی بیشاپور را کاوش کردند؛ اما شروع جنگ جهانی دوم، پایان بخش مرحله نخست فعالیت‌های پژوهشی بیشاپور و فعالیت‌های پژوهشگران غیربومی بود. پس از گذشت مدت زمانی در حدود سی سال پس از مرحله اول، کاوش شهر تاریخی بیشاپور در سال ۱۳۴۷ ه.ش. (۱۹۶۸ م.) توسط «علی اکبر سرفراز» از سر گرفته شد (سرفراز، ۱۳۶۶). در فصل کاری ۱۳۴۸ ه.ش. «جهانگیر یاسی» سرپرست گروه باستان‌شناسی بیشاپور را در غیاب سرفراز برعهده داشت و از سال ۱۳۴۹ ه.ش. دوباره کاوش باستان‌شناسی بیشاپور توسط سرفراز پی‌گیری شد (مهیار، ۱۳۷۸). در مرحله سوم کاوش محوطه بیشاپور (سال ۱۳۷۴ ه.ش.) مطالعات باستان‌شناسی این محوطه در برنامه «سازمان میراث فرهنگی کشور» قرار گرفت و شهر بیشاپور در ردیف پروژه‌های بزرگ این سازمان جای گرفت که پس از فراهم آوردن مقدمات کار، عملیات باستان‌شناسی این شهر تاریخی توسط «محمد مهریار» از پی گرفته شد. در سال ۱۳۷۴ ه.ش. به همت محمد مهریار با کاوش در دارالاماره، کاوش‌های باستان‌شناسی از سر گرفته شد (نوروزی، ۱۳۸۴). در ادامه مرحله سوم فعالیت‌های باستان‌شناختی محوطه بیشاپور در سال ۱۳۸۳ ه.ش. یک فصل از کاوش‌های باستان‌شناختی این محوطه به سرپرستی «ناصر نوروززاده چگینی» انجام پذیرفت (برفی و همکاران، ۱۳۹۱). در سال ۱۳۸۸ ه.ش. نیز «مصیب امیری» به منظور خواناسازی اطراف تالار تشریفات به مدت ۲ ماه اقدام به کاوش نمود (امیری و همکاران، ۱۳۹۱). در مورد آثار گچبری بیشاپور مقاله‌ای کوتاه براساس تصاویر باقی مانده از کاوش‌های گریشمن نگاشته شده است (شاه‌محمدپور، ۱۳۸۴). مطالعات گچبری دوره ساسانی به صورت ناقص انجام گرفته است. یکی از پژوهش‌های نسبتاً کامل، مطالعه گچبری خانه اربابی حاجی آباد داراب است (Azarnoush, 1994). مطالعه نسبتاً جامعی نیز بر روی گچبری‌های چال ترخان ری انجام گرفته است (Thompson, 1976)، ولی فاصله این مطالعات تا زمان کاوش بسیار زیاد بوده و اطلاعات

اندکی از محل یافت آثار می‌دهد. نمونه‌هایی از گچبری چه به صورت پلاک و چه به صورت قالبی از برزقواله که احتمالاً شهر ساسانی سیمره است، نیز به دست آمده است (گراوند و زینی‌وند، ۱۳۹۲). در نزدیکی همین محوطه از قلاگوری نیز آثار گچبری نیز یافت شده است (حسن‌پور، ۱۳۹۳؛ شکل ۶). پژوهشی نیز بر روی نقوش گیاهی کاخ تیسفون انجام گرفته است (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۲).

یافته‌های گچی در نهمین فصل کاوش در بیشاپور

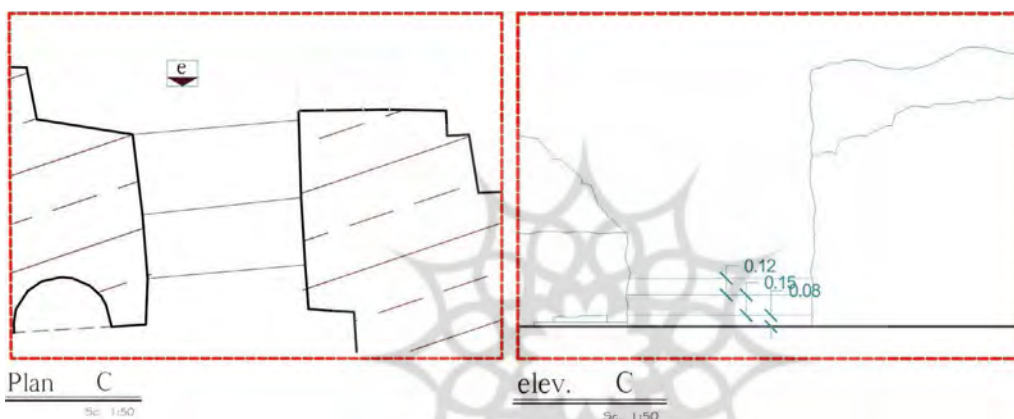
نهمین فصل کاوش در شهر تاریخی بیشاپور بر ضلع جنوبی و غربی ایوان موزاییک متمرکز بود (تصویر ۳)، و اگرچه در توسعه کاوش و پیگیری رد دیوارها و فضاها، دامنه کاوش به گمانه‌های شرقی نیز بست و گسترش یافت؛ اما بیشتر یافته‌ها از گمانه‌های جنوبی به‌ویژه D-4، D-3 و D-5 به دست آمده است. در زمینه یافته‌های گچبری و تزئینات نیز این سه گمانه غنی‌تر از گمانه‌های دیگر بود.



تصویر ۳. فضاهای معماری در جنوب ایوان موزاییک که در فصل نهم آشکار شد و بخش‌های دارای آثار گچبری با A، B و C مشخص شده است (نگارنده، ۱۳۹۳).

گمانه D-3

کاوش در این گمانه تا رسیدن به کف فضاهای معماری ادامه یافت. این فضای معماری به دست آمده شامل چهار بخش است که دخل و تصرف زیادی در آن انجام شده است. بخش C که در نقشه مشخص شده است، اختلاف ارتفاع ۳۵ سانتی متری کف فضای سرپوشیده را با حیاط ایوان موزاییک با سه پله برطرف شده است (تصویر ۴). پله نخست، تنها ۸ سانتی متر با سطح حیاط ارتفاع دارد. پله های دوم و سوم، به ترتیب دارای ۱۵ سانتی متر و ۱۲ سانتی متر خیز پله هستند. این پله ها کاملاً با اندود گچ نیمه کوب اندود شده است و بعد از پله ها سطح کف اتاق با همان اندود به مساحت ۴/۸ مترمربع به دست آمد (تصویر ۵). تعداد ۴ قطعه از نوارهای تزئین از گمانه D-3 به دست آمده است (تصویر ۶). این نوارهای تزئینی در اطراف درگاه و به ویژه در اطراف طاقچه ها کاربرد داشته و بعد از انجام گچبری آن ها برای تزئین بیشتر آن ها را رنگ آمیزی می کردند.



تصویر ۴. نقشه و مقطع پله های بخش C در گمانه D-3 (نگارنده، ۱۳۹۳).



تصویر ۵. پله و اندود کف اتاق گمانه D-3 (نگارنده، ۱۳۹۳).

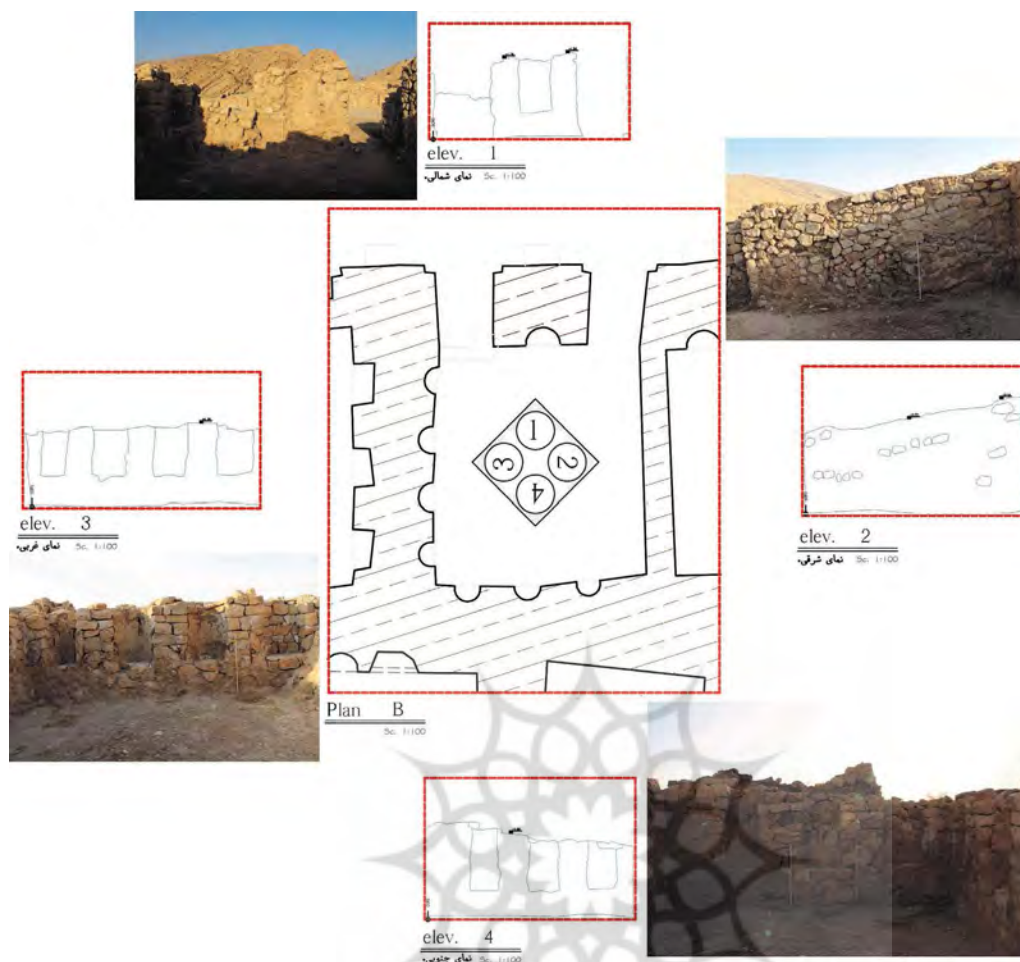


تصویر ۶. نمونه گچبری‌های به دست آمده از کاوش گمانه‌های D-4، D-3 و D-5 شامل ابزارهای کشویی نواری تیزه‌دار و ناودانی شکل که به عنوان تزئین در اطراف پنجره‌ها و ورودی‌ها کار می‌شده است (نگارنده، ۱۳۹۳).

گمانه D-4

مهم‌ترین فضای معماری به دست آمده از دیدگاه تزئینات گچبری و هم‌چنین رنگ آمیزی روی گچ از این گمانه به دست آمده است. در میان چهار فضای به دست آمده از این گمانه دو اتاق که به نام‌های A و B مشخص شده، مهم‌ترین آثار گچبری را دارا هستند.

در اتاق D-4b هشت طاقچه به دست آمد که چهار طاقچه در ضلع غربی و سه طاقچه در ضلع جنوبی و یک طاقچه در ضلع شمالی به دست آمده است (تصویر ۷). دلیل نبود طاقچه در ضلع شرقی دیواری است که در دوره‌های جدیدتری نسبت به زمان ایجاد طاقچه‌ها اضافه شده و جزئی از دخل و تصرفات بعدی در نقشه فضاهای معماری جنوب ایوان موزاییک محسوب می‌شود. حرکت و رانش دیوارها و دخل و تصرفات بعدی باعث شده تا اضلاع اتاق دارای ابعاد مختلف باشد. ابعاد اتاق در ضلع شمالی ۴/۴۸ متر که دارای دو درگاه بوده و در دوره‌های بعدی درگاه شمال غربی مسدود و تنها از درگاه شمال شرقی رفت و آمد انجام می‌شده است. تنها طاقچه این ضلع در دوره‌ای به دو قسمت بالایی و پایینی تقسیم شده است. ضلع غربی اتاق دارای ۵/۳۱ متر طول و ارتفاع باقی مانده از آن ۱/۷۵ متر است. تقریباً تمامی اندود طاقچه‌ها از بین رفته است و تنها در بخش پایینی دو طاقچه میانی کمی اندود با آثار رنگ آمیزی روی آن‌ها باقی است. ارتفاع همه طاقچه‌ها از کف اتاق نیم متر است و مصالح ساخت دیوارها مانند همه جای بیشاپور سنگ لاشه با ملات گچ نیم کوب استفاده شده است. در ضلع جنوبی سه طاقچه به دست آمد که تقریباً همه آن‌ها دارای اندود گچ با رنگ آمیزی به صورت نقوش هندسی مربع است. نقاشی‌های روی گچ نیز با رنگ سیاه و قرمز انجام گرفته و در کاوش‌های گذشته از تالار تشریفات و بخش شرقی ایوان موزاییک به دست آمده بود، اما تزئینات نقاشی این طاقچه‌ها متفاوت تر است و زیبایی خاصی به آن داده است (تصویر ۸). تزئینات رنگی این طاقچه‌ها شامل مربع‌هایی به رنگ قرمز آخراپی و سیاه بر روی اندود گچ در اتاق گمانه C-4 به دست آمد. هر مربع دارای ضلعی ۲۰ سانتی متری است که در طرحی شطرنجی در کنار هم قرار گرفته است. خط جداکننده مربع‌های قرمز از سیاه با ابزاری تیز و برنده از هم جدا



تصویر ۷. نقشه و نمای چهار ضلع اتاق D-4b (نگارنده، ۱۳۹۳).



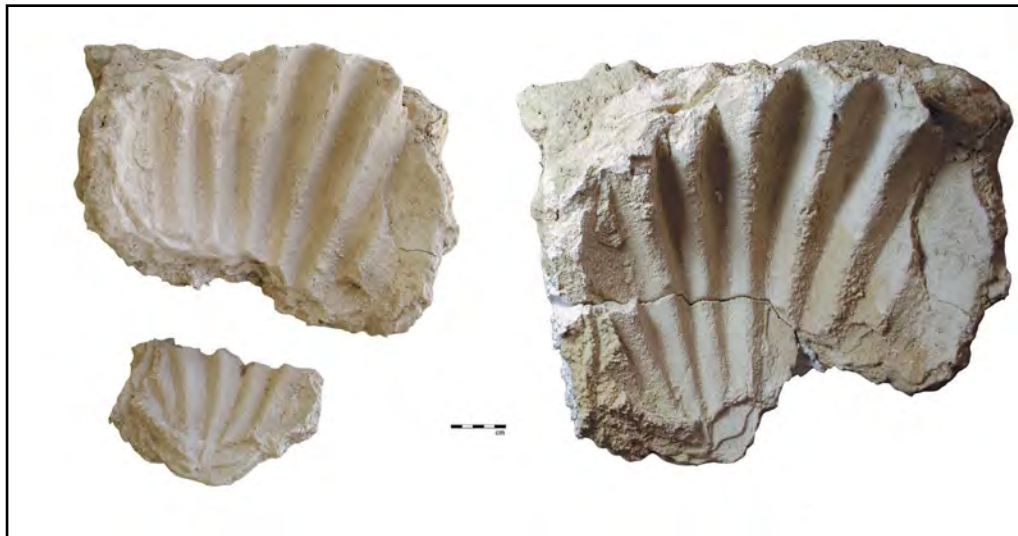
تصویر ۸. نمای نزدیک از نقش رنگ قرمز آخراپی و سیاه بر روی گچ اتاق D-4b (نگارنده، ۱۳۹۳).

شده و شیاری بسیار نازک و نسبتاً عمیق ایجاد کرده است. این شیار، به احتمال قریب به یقین از این جهت عمیق بود تا رنگ که در زمان مرطوب بودن گچ بر روی آن زده می‌شد و تا چند میلی‌متر در گچ نفوذ می‌کرد، به مربع مجاور که رنگ متفاوتی داشت نفوذ نکند.

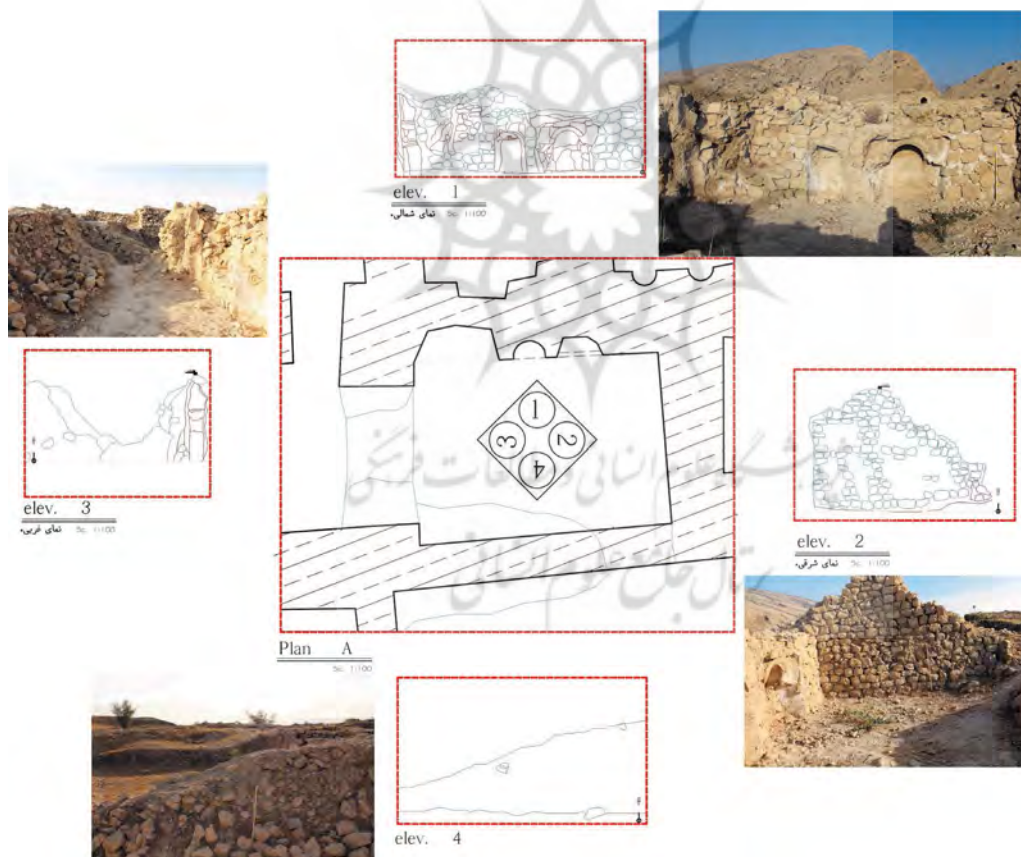
طول ضلع جنوبی ۴/۷۱ متر است و ضلع شرق ۵/۰۵ متر است و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، این دیوار از الحاقات بعدی بوده است. از اتاق D-4b تعداد ۱۲ قطعه گچبری از نمونه لوله‌ای به دست آمده که گویای تزئینات گچبری غنی در این اتاق است (تصویر ۹). اتاق D-4a فضای مهم دیگر از دیدگاه تزئینات گچبری است. این اتاق با یک درگاه به فضای اتاق چهاربخشی D-3 باز می‌شود. دخل و تصرفات بعدی بسیار زیاد در این فضا اتفاق افتاده است. از مهم‌ترین تزئینات گچبری به دست آمده طاقچه و گوشواره‌های صدف دوکپه‌ای است (تصویر ۱۰). ابعاد این اتاق هم تقریباً ۵/۹۰×۴/۳۰ است (تصویر ۱۱).



تصویر ۹. نوارهای لوله‌ای که در اطراف حاشیه پنجره‌ها و درگاه‌ها به دست آمده از کاوش گمانه D-4 (نگارنده، ۱۳۹۳).



تصویر ۱۰. نمایی از یکی از صدف‌های دوکفه‌ای که به‌عنوان پوشش تزئینی گوشه‌های ۹۰ درجه به‌کار برده شده از گمانه D-4 (نگارنده، ۱۳۹۳).



تصویر ۱۱. نقشه و نمای چهار ضلع اتاق D-4a (نگارنده، ۱۳۹۳).

گچ‌بری‌هایی که از جهت تزئین فضاهای مسقف استفاده شده، از دو فن پیش‌ساخته یا قالبی، روکار یا غیرقالبی و ترکیبی استفاده شده است. دو نمونه از گچ‌بری‌های قالبی که در محل گوشواره‌های اتاق‌ها نصب شده بود با طرح صدف دوکفه‌ای از اتاق گمانه D-4 به‌دست آمد که به‌احتمال زیاد پوشش آسمانی این اتاق گنبدی شکل بوده است (تصویر ۱۲). از این دو نمونه،

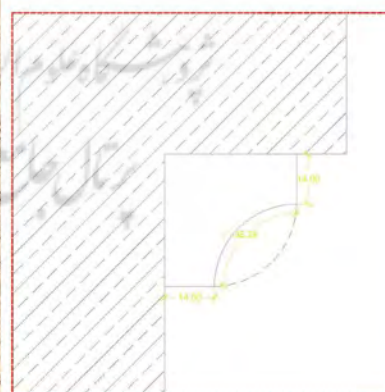
یکی در محل خود در گوشهٔ اتاق و محل تلاقی دو دیوار اتاق قرار داشت و دیگری گوشهٔ دیگر اتاق و بر روی کف یافت شد (تصویر ۱۳). گچبری صدف دوکپه‌ای نوعی تزئین بوده که برای پوشش در گوشه‌ها استفاده می‌شده است (تصویر ۱۴). یافته‌های گچی که از کاوش‌های انجام‌شده در شهر تاریخی بیشاپور به دست آمده است، مانند اغلب محوطه‌های ساسانی نشان می‌دهد که استفاده از گچ به جز در ملات، بیشتر جنبهٔ تزئینی داشته و نقش کم‌رنگی از لحاظ سازه‌ای در ساختار معماری بناهای دورهٔ ساسانی ایفا می‌کنند. گل‌میخ‌های گچی از جمله یافته‌های به دست آمده از گمانهٔ D-3 بوده است. در فصل نهم کاوش شهر تاریخی بیشاپور اگرچه یک پلاک کامل از نمونه‌هایی که گریشمن در کاوش خود به دست آورده بود، به دست نیامد؛ اما قطعاتی از این پلاک‌ها که تقریباً همگی آن‌ها شامل قطعات حاشیهٔ پلاک گچبری می‌شود، از کاوش گمانهٔ D-4 و D-5 به دست آمد (تصویر ۱۵). در میان قطعات پلاک‌های به دست آمده از کاوش در گمانهٔ D-4 دو قطعهٔ شکسته از حاشیهٔ پلاک به دست آمد که قابل مقایسه با پلاک‌ها پیشین است که در کاوش گریشمن به دست آمده است (تصویر ۱۶). از دیگر یافته‌های گچی این فصل می‌توان به قطعات نوارشکل با شیارهای موازی نام برد که در اصطلاح معماران و گچکاران امروزی به تزئینات کشویی شهرت دارد. این‌گونه تزئینات گچی به دو صورت ایجاد می‌شود، یا به صورت پیش ساخته و یا در زمان اندود کردن دیوار تا گچ نرم و مرطوب هست و قابلیت شکل‌پذیری دارد، اجرا می‌شود. چنین تزئینات در اطراف پنجره‌ها و طاقچه‌ها کاربرد بیشتری داشته و در بناهای ساخته شده در دورهٔ ساسانی پیش از بیشاپور مانند فیروزآباد به ظهور رسیده بود. پلاک‌های گچی و جان‌پناه‌های تزئینی فیل‌پوش‌ها و گوشواره‌های تزئینی گچی از جمله نمونه‌هایی هستند که به صورت پیش ساخته به کار می‌رفتند. قطعه‌ای از یک پلاک تزئینی گچی هم از گمانهٔ D-5 به دست آمد که نمونه‌های شبیه به آن از کاوش‌های پیشین به ویژه کاوش نخستین کاوشگر شهر تاریخی بیشاپور، رومن گریشمن به دست



تصویر ۱۲. نمایی از گچبری صدف دوکفه‌ای جهت پوشش گوشهٔ تاقچه در اتاق D-4a قرار دارد و هنوز در جای خود قرار دارد (نگارنده، ۱۳۹۳).



تصویر ۱۳. محل پیشین یکی از گچبری‌های صدف دوکفه‌ای که مرمت شده است در گوشه و در محل تقاطع دو دیوار گمانه D-4 (نگارنده، ۱۳۹۳).



Plan L3
0 10 20 40cm

تصویر ۱۴. نمایی از یکی از گچبری‌های صدف دوکفه‌ای در اتاق D-4a در محل خود قرار دارد (نگارنده، ۱۳۹۳).

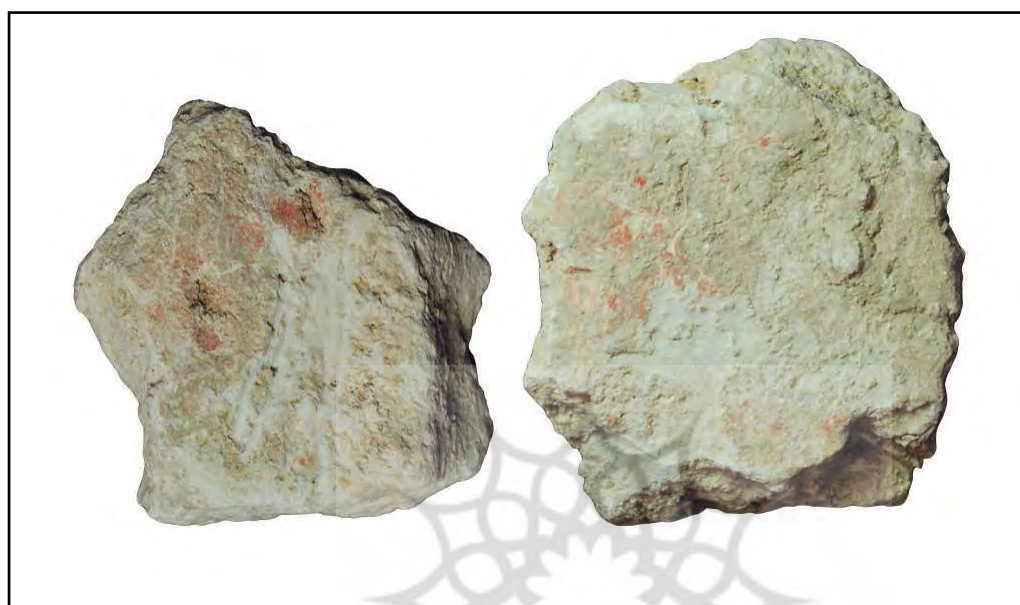


تصویر ۱۵. قطعات شکسته به دست آمده از حاشیه پلاک های گچبری D-5 و D-4 (نگارنده، ۱۳۹۳).



تصویر ۱۶. نمونه قطعات شکسته پلاک های تزئینی گچبری (نگارنده، ۱۳۹۳).

آمده بود. قطعات مربوط به تزئینات گچی از گمانه D-5 به دست آمده است و شاید به این دلیل است که گمانه D-5 از معدود گمانه‌هایی بود که دارای لایه‌های برجا بود و پیش‌تر کاوش نشده، یا خاک حاصل از کاوش‌های پیشین در این بخش انباشته نشده بود؛ از همین گمانه، قطعه‌ای از گچ که مربوط به اندود دیوار بود به دست آمده است که آثار رنگ قرمز آخرایبی همچنان بر روی آن قابل مشاهده است و از ژرفای ۲/۹ متری به دست آمده است (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۷. نمونه اندود گچ با رنگ قرمز آخرایبی به دست آمده از کاوش گمانه D-5 (نگارنده، ۱۳۹۳).

بحث و تحلیل

بررسی آثار بازمانده از دوران پیشین نشان می‌دهد که در ایران پوشاندن سطوح داخلی و خارجی بنا با تزئینات مختلف بخش جدایی‌ناپذیر معماری بوده که تا بناهای دوره اسلامی نیز تداوم یافته است. گچ کاربردهای متعددی در ساخت و تزئین بنا داشته است. تاکنون مدارک از سفیدکاری با گچ و گچبری از دوره ایلام میانه و هفت‌تپه مشاهده شده است (Negahban, 1991: 8)؛ هرچند مدارکی از گچ از محوطه‌های پیش از تاریخ یافت شده (اکبری، ۱۳۹۷: ۴۰؛ Meldegard et al., 1963: 111)، ولی گچبری و تزئین مشاهده نشده است. از دوره هخامنشی نیز شواهدی از گچبری مشاهده شده است (سجادی، ۱۳۷۴: ۱۹۵؛ پرادا، ۱۳۵۷: ۲۲۳). سفیدکاری با گچ برای پوشش دیوارهای خشتی و گلی جهت حفاظت بنا در برابر رطوبت در دوره اشکانیان تکامل یافت (پوپ، ۱۳۳۹: ۸۸). از عصر اشکانیان هنر گچبری روشمند و از اسلوب ویژه برخوردار گردید. در این دوره گچبری‌های کنده‌کاری شده و رنگارنگ از عوامل مهم تزئینات معماری ایران بوده است (پوپ، ۱۳۹۳: ۸۱). در دوره اشکانی گسترش گچبری در فنون تزئینی چشم‌گیر و آذین‌های گچبری نمایانگر تسلط کامل در اجرای سریع و ارزان شیوه آرایه‌پردازی بود (پوپ و آکرمان، ۱۳۸۷ الف: ۱۴۹۳). این روش‌ها در عصر ساسانیان رو به تکامل نهاده و در دوران‌های اسلامی با تغییراتی تداوم یافت (احمدی و شکفته، ۱۳۹۰)؛ چنان‌چه در دوره اسلامی دوازده گونه آرایه‌ای گچبری تاکنون شناسایی شده است (صالحی‌کاخکی و اصلانی، ۱۳۹۰). دوره اشکانیان هنر گچبری دارای روش خاصی بوده و با دوران بعد از آن یعنی عصر ساسانیان تفاوت دارد و چه بسا در زمان ساسانیان برای برپای داری گچ بر روی بنا به‌عنوان تزئین، روش‌های دیگری اعمال می‌شده است که آن نیز با دوران اسلامی متفاوت است (پوپ ۱۳۸۹)؛ اما به‌طور کلی مواد اولیه

برای کاربندی گچ در هر دو عصر یکسان بوده و تنها روش فرم دادن به گچ و شکل بخشی به آن فرق می‌کرده است (پوپ، ۱۳۶۵). از آثار برجای مانده از قطعات گجبری در نواحی گوناگون ایران زمین چنین برمی‌آید که تزئین دیوار و یا سایر قسمت‌های بنا از روش و اسلوب خاصی استفاده می‌شده است؛ چنان‌که قطعات گچی گاه بر روی آجر و به صورت روکش دیوارها که هنوز هم ادامه دارد، تعبیه می‌شده است و یا گاهی بعد از اتمام بنای ساختمان‌ها به شکل حاشیه و یا فتیله‌ای بر روی آن گچ را کلاف می‌کرده و می‌چسبانده‌اند. این ساده‌ترین روشی است که از زمان اشکانیان متداول بوده و امروز نیز در روش‌های گجبری و کاربندی روی دیوار به کار می‌رود (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۲). شاهکارهای گجبری در محوطه‌هایی همچون: چال ترخان، تیسفون، فیروزآباد، دربند درگز، حاجی‌آباد داراب و... مهر تأییدی بر اهمیت گچ و گجبری تزئینی در هنر دوره ساسانی است.

نقوش گچ‌بری‌های دوره ساسانی با الهام از محیط طبیعی اطراف خود، ارتباطی نه صددرصد، ولی نزدیک به آن برقرار می‌کنند و به راحتی می‌توان نمونه‌های مشابه آن‌ها را شناسایی کرد. این امر نشان می‌دهد مباحث انتزاعی کمتر در این نقوش به کار رفته و هنرمند گرایش کمتری به این سمت نشان داده است. قسمت اعظم گچ‌بری‌های به‌جامانده از دوره ساسانی، نقوش گیاهی را به تصویر می‌کشند؛ نقوشی که برخاسته از طبیعت اطراف هنرمند بوده و یا از ترکیب و تبدیل نقوش مختلف هندسی به دست می‌آمده است. در این ترکیب‌بندی نقوش هندسی جای خود را با اندک تغییری و با کاربردی از طرح‌های استیلیزه، به طرح‌های گیاهی می‌دادند. تاریخچه آرایه‌های گیاهی در هنر ساسانی بسیار پیچیده است. تحولات آن در دو مسیر جداگانه و با ریشه‌های مختلف است؛ از یک سو نقش مایه منفرد به شکل‌های مختلف برگ نخل و برگ، و از سوی دیگر بسط جزئیات با قواعد توزیع و ترکیب‌های گوناگون و هندسه تزئینی، موجب پیدایش نقش‌مایه‌های جدید و اصولی چون رعایت تقارن، قرار دادن نقش‌ها بر روی یکدیگر، درهم پیچیدگی و تغییر مکان محور طرح گردید (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷ ب: ۷۸۰). استادکار گچ‌کار در ابداع نقوش، هیچ‌گاه از فضای فکری و فرهنگی جامعه خود جدا نبوده‌اند و هنر آن‌ها بازگوکننده مفاهیم ذهنی و اعتقادی‌شان بوده است. این امر در طول تاریخ فرهنگ و هنر ایران زمین در هنر هنرمندان به‌درستی پیدا و آشکار است. در دوره ساسانی، تزئینات گیاهی به اشکال بزرگ و کاملاً مشخص و نزدیک به طبیعت و با نگاه اسطوره‌ای خلق می‌شوند.

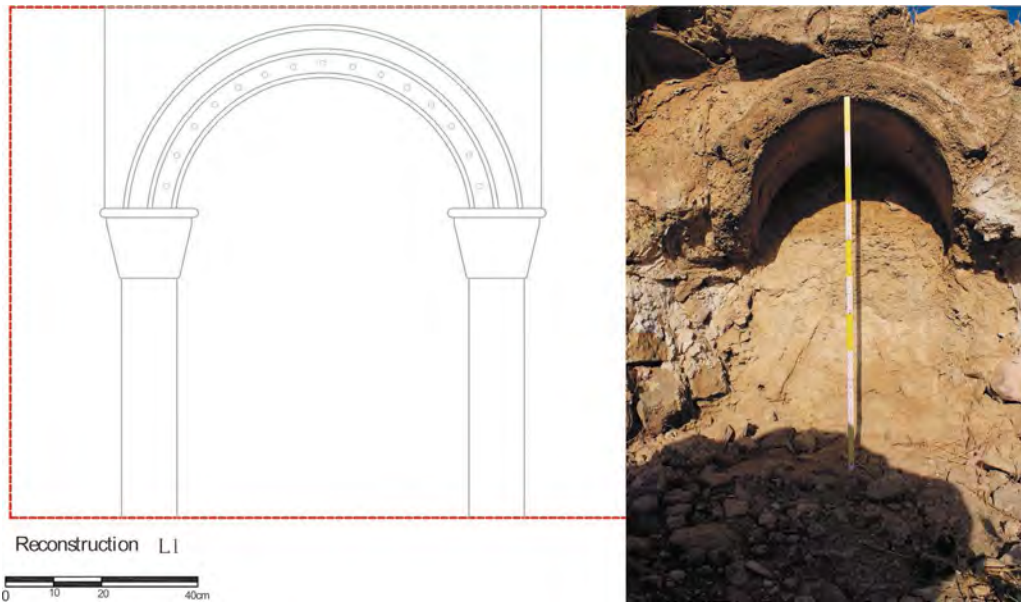
یکی از مهم‌ترین عناصر تزئینی معماری دوره ساسانی و نیز شهر تاریخی بیشاپور گجبری‌های آن است (تصویر ۱۸). این گجبری‌ها از تالار چلیپاشکل شاه‌نشین و ایوان موزاییک به دست آمده است. بنا به گفته رومن گریشمن هیچ تکه‌ای از تزئینات دیواری اولیه ایوان در جریان خاکبرداری و آزادسازی این بنا به دست نیامده است (گریشمن، ۱۳۷۹). در نتیجه، این‌گونه به نظر می‌رسد که تمام تزئینات گجبری مکشوف در عملیات خاکبرداری از محوطه کاوش به دست آمده است و شاید منشأ فرضیه‌های موجود نیز همین باشد که دلیل محکمه‌پسندی برای رد یا قبول نظریات وجود ندارد. به‌طور کلی دو نوع فرضیه شاخص در مورد ساخت تزئینات گچی مطرح است؛ در فرضیه نخست، اعتقاد بر این است که تزئینات گجبری در این محوطه به یکباره بر روی دیوارها کشیده می‌شده و سپس هنرمند با ابزاری شبیه لیسه نقوش مورد نظر خود را روی گچ‌ها ایجاد می‌کرده است؛ اما در فرضیه دوم، اعتقاد بر این است که تزئینات گجبری به صورت قالب‌گیری تهیه می‌شده و سپس در جای خود نصب می‌شده است. با توجه به آثار و شواهد موجود قبول و یا رد هر کدام از این نظریات به صورت صرف، امری هوشمندانه نیست. به‌کارگیری و تلفیق این دو روش مسلماً کاری ناممکن نبوده و هنرمندان دوره ساسانی این توانایی در ایجاد روش‌های بدیع و تازه در این عرصه را دارا بوده‌اند (هرمان، ۱۳۷۳)؛ چراکه به نظر می‌رسد در مواقعی نقوش به روش قالب‌گیری تهیه شده‌اند و در مواردی نیز گجبری‌ها به صورت یکباره بر روی دیوار اجرا گردیده‌اند؛ بدین صورت که



تصویر ۱۸. بازسازی یکی از تاقچه‌های به دست آمده از تالار تشریفات براساس یافته‌های پس از کاوش گریشمن (گریشمن، ۱۳۹۱: ۱۴۰ و تصویر ۱۷۹).

در بیشاپور دو روش شکل دهی درجا و ساخت با استفاده از قالب را می‌توان شیوه‌های اصلی در اجرای فنون گچبری به شمار آورد. در روش شکل دهی درجا پس از اجرای خمیر گچ بر روی سطح مورد نظر مانند دیوار یا سقف و... و سپری شدن مدت گیرش گچ در حد مناسب که موجب ریزش گچ نشود، استاد گچ کار اقدام به شکل دادن به ملات گچ می‌کند. در شیوه استفاده از قالب نیز به دو گونه روش درجا و پیش ساخته انجام می‌شود. در شیوه درجا، در داخل قالب چوبی یک تکه یا چند تکه که از پیش ساخته شده است دوغاب گچ ریخته و در برخی موارد نیز تزریق کرده و بعد از گیرش گچ و خمیری شدن آن، قالب را از آن جدا کرده و استادکار به نازک کاری آن می‌پردازد و در شیوه قالب پیش ساخته نیز تمام قطعات از قبل ساخته شده و استادکار آن‌ها را به هم متصل کرده و بعد از پیوستن تمام قطعات آن‌ها را پرداخت می‌کند. در مجموعه بیشاپور معمولاً قطعات پیش ساخته در دو اندازه ساخته شده اند یکی از آن‌ها ۱۲×۱۲ سانتی متر و دیگری ۱۸×۱۸ سانتی متر است. قطعات گچی با طرح‌های هندسی یافت شده از فصل نهم کاوش در بیشاپور با معمولاً قالب ساز بوده و شکل متنوع نداشته و معمولاً قاشقی شکل و به عبارت دیگر، لوله‌ای شکل هستند. به نظر می‌رسد تمامی این قطعات برای پوشش اطراف تاقچه‌ها، گوشه دیوارها، پنجره‌ها و درگاه‌ها به کار رفته است (تصاویر ۶ و ۹). قطعاتی از این نوع گچبری اطراف یک تاقچه نیز به دست آمده است (تصویر ۱۹). این قطعات به نظر می‌رسد به صورت پیش ساخته در محل خود نصب می‌شدند و به صورت نیم برجسته ساخته شده‌اند. نمونه دیگر از گچبری‌ها باید از «نقوش صدفی» نام برد. این قطعات نمایانگر یک کفه از صدف‌های دوکفه‌ای صدف‌های دریایی هستند. کاربری این قطعات همگی به عنوان فیلیپوش کنار گنبد و ایوان و هم چنین گوشه اتاق‌ها است. این قطعات نیز به شیوه قالب‌گیری ساخته شده و احتمالاً درجا این عمل را انجام می‌دادند (تصویر ۱۰).

از دیگر قطعات، پلاک‌ها هستند که به صورت قطعات خرد شده به دست آمده‌اند. این قطعات معمولاً متعلق به حاشیه پلاک بوده و فقط یک قطعه مرکز پلاک است. پلاک‌ها بعضاً دارای نقوش انسانی هستند که شاهان، شاهزادگان، امرا و ایزدان را به تصویر می‌کشند و اطلاعات ارزشمندی را در تحلیل تاریخ سیاسی، هنر و باستان‌شناسی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. از بیشاپور، صورت



تصویر ۱۹. چپ: یکی از تاقچه‌های به دست آمده از کاوش گمانه D-4؛ راست: بازسازی فرضی همان تاقچه (نگارنده، ۱۳۹۳).

یک شاه یا شاهزاده که داخل پلاکی قرار داشته به دست آمده که مراحل مقدماتی مطالعه آن به اتمام رسیده و در آینده نتایج آن منتشر خواهد شد. نقوش این پلاک‌های گچی معمولاً به صورت هندسی و گیاهی هستند. نقوش هندسی بیشتر مربوط به حاشیه مربع شکل پلاک است (تصاویر ۱۵ و ۱۶). چند قطعه گچ رنگی به رنگ‌های قرمز و سیاه نیز به دست آمده که مربوط به دیوارهای مسطح هستند (تصاویر ۸ و ۱۷).

در شهر بیشاپور که براساس کتیبه ستون یادبود تاریخ برپایی و به احتمال زیاد پایان ساخت شهر بوده است و ما می‌دانیم که شاپور اول پس از پیروزی بر رُم هنرمندان، معماران و مهندسان بسیاری اسیر و با خود به ایران آورد و باز براساس منابع می‌دانیم والرین و به احتمال قریب به یقین تعدادی زیادی از رُمیان اسیر در بیشاپور اسکان داده شدند. حال باید در بیشاپور تلفیق هنر رومی با هنر ایرانی و یا تأثیر هنر رومی بر هنر ملی ساسانی را مشاهده کنیم، هنوز با کاوش‌های انجام شده نمی‌توان به ضرس قاطع نمونه‌های مشخص این هنر تلفیقی رو مشاهده کرد. این مهم نیاز به کاوش‌های بیشتر در شهر تاریخی بیشاپور دارد.

نتیجه‌گیری

هنرمندان دوره ساسانی توانایی در ایجاد روش‌های بدیع و تازه در عرصه گچبری را دارا بوده‌اند؛ چراکه به نظر می‌رسد در مواقعی نقوش به روش قالب‌گیری تهیه شده‌اند و در مواردی نیز گچبری‌ها به صورت یک‌باره بر روی دیوار اجرا گردیده‌اند؛ بدین صورت که در بیشاپور دو روش شکل‌دهی درجا و ساخت با استفاده از قالب را می‌توان شیوه‌های اصلی در اجرای فنون گچبری به شمار آورد که معمولاً قطعات پیش ساخته در دو اندازه ساخته شده‌اند؛ یکی از آن‌ها ۱۲×۱۲ سانتی‌متر و دیگری ۱۸×۱۸ سانتی‌متر است.

از مجموع آثار به دست آمده، به اطلاعات اندکی از گچبری دور تاقچه‌ها می‌توان دست یافت. آسیب‌دیدگی‌های قسمت فوقانی بیش از آسیب‌دیدگی قسمت‌های تحتانی است. این گچبری‌ها شامل دو دسته هستند؛ دسته اول، گچبری‌هایی هستند که به صورت قطعات پیش ساخته بوده

که به دلیل تولید انبوه به شکل قالبی ساخته شده‌اند و یافته‌های این دسته بیشتر هستند. دسته دوم، گچبری‌هایی هستند که درجا ساخته شده‌اند و این دسته تنوع نقش بیشتری دارند. از دسته اول، بیشتر گچبری‌های با طرح چلیپا و قاشقی به دست آمده است و از دسته دوم، قطعات پلاک‌های گچی هستند که کمتر به دست آمده‌اند. از لحاظ شکل و نقش، تقریباً می‌توان گفت که محدودیت نقش در نمونه‌های به دست آمده مشاهده می‌شود و نقوش خیلی متنوع نیستند. این قطعات با قطعات به دست آمده از دیگر محوطه‌های ساسانی، کمترین شباهت را داشته است.

سپاسگزاری

جا دارد از اعضاء هیأت نهمین فصل کاوش شهر تاریخی بیشاپور، محمدرضا معینی (مدیر داخلی پایگاه بیشاپور)، عنایت جوکار (مسئول یگان حفاظت)، سیدمصطفی موسوی، بتول خسروی و رضا محمودی و دیگر دوستان که صمیمانه در این فصل کاوش ما را یاری نمودند، تشکر و سپاسگزاری کنیم. نیز از سیروس برفی (معاون کاوش فصل نهم) که با شکیبایی و تلاش پیگیر از نخستین روز کاوش نگارنده را همراه و همیار بوده است، سپاس فراوان دارم.

کتابنامه

- احمدی، حسین؛ و شکفته، عاطفه، (۱۳۹۰). «تزئینات گچبری در معماری قرون اولیه اسلامی ایران (قرن اول تا پنجم ه.ق)». فصلنامه ادبیات و هنر دینی، شماره ۴، صص: ۱۵۰-۱۲۵.
- اعظمی، زهرا؛ شیخ‌الحکمایی، محمدعلی؛ و شیخ‌الحکمایی، طاهر، (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی نقوش گیاهی گچبری‌های کاخ تیسفون با اولین مساجد ایران (مسجد جامع نائین، مسجد جامع اردستان، مسجد جامع اصفهان)». نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، دوره ۱۸، شماره ۴، صص: ۲۴-۱۵.
- اکبری، حسن، (۱۳۹۷). «فناوری معماری در دوره نوسنگی بدون سفال (معماری کپرگاه)». مجله مطالعات باستان‌شناسی پارسه، شماره ۳، صص: ۵۲-۳۵.
- امیری، مصیب؛ موسوی‌کوهپیر، سیدمهدی؛ و خادمی‌ندوشن، فرهنگ، (۱۳۹۱). «طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفالی‌های ساسانی-اسلامی بیشاپور مطالعه موردی: سفال‌های فصل نهم کاوش». مجله مطالعات باستان‌شناسی، شماره ۵، صص: ۳۲-۱.
- امیری، مصیب؛ و برفی، سیروس (۱۳۹۴). «یافته‌های نواز نهمین فصل کاوش در شهر تاریخی بیشاپور». مفاخر میراث فرهنگی ایران، جشن نامه دکتر صادق ملک‌شهمیرزادی، به‌کوشش: مرتضی حصار، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و دانشگاه هنر اصفهان، صص: ۲۱۹-۲۰۳.
- برفی، سیروس؛ مرادی، حسن؛ عبداللهی، صدیقه؛ بیداری، رضا؛ ابوالبیان، شهره؛ و محبی، خدیجه، (۱۳۹۱). «تاریخچه پژوهش‌های باستان‌شناختی استان فارس». هشتاد سال باستان‌شناسی ایران. به‌کوشش: یوسف حسن‌زاده و سیما میری، جلد نخست، تهران: انتشارات پایینه با همکاری موزه ملی ایران.
- پرادا، ادیت، (۱۳۵۷). هنر ایران باستان. با همکاری: رابرت دایسون و چارلز ویلیکینسون. ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران: دانشگاه تهران.
- پوپ، آرتور آپهام، (۱۳۳۸). شاهکارهای هنر ایران. تهران: انتشارات صفی‌علیشاه و فرانکلین.
- پوپ، آرتور آپهام، (۱۳۶۵). معماری ایران، پیروزی شکل و رنگ. ترجمه کرامت‌الله افسر، تهران: انتشارات یساولی.
- پوپ، آرتور آپهام، (۱۳۸۹). شاهکارهای هنر ایران. ترجمه پرویز ناتل خانلری، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- پوپ، آرتور آپهام، (۱۳۹۳). معماری ایرانی. ترجمه غلامحسین صدرافشاری، چاپ دهم، تهران: انتشارات فرهنگیان.
- پوپ، آرتور آپهام؛ و آکرمان، فیلیس، (۱۳۸۷ الف). بررسی هنر ایرانی. زیرنظر: سیروس پرهام، جلد سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پوپ، آرتور آپهام؛ و آکرمان، فیلیس، (۱۳۸۷ ب). سیری در هنر ایران. ترجمه نجف دریابندی، جلد هفتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- حسن پور، عطا، (۱۳۹۳). «قلاگوری سیمره در دومین فصل از کاوش نجات بخشی». مقاله‌های کوتاه دوازدهمین گردهم‌آیی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی. صص: ۱۵۴-۱۵۰.
- سجادی، علی، (۱۳۷۴). «هنر گچبری در معماری اسلامی ایران». مجله اثر، شماره ۲۵، صص: ۲۱۴-۱۹۴.
- سرفراز، علی اکبر، (۱۳۶۶). «بیشاپور». شهرهای ایران، به‌کوشش: محمدیوسف کیانی، جلد ۲، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شاه‌محمدپور، علیرضا، (۱۳۸۴). «تزئینات تاقچه‌های گچی در کاخ‌های ساسانی بیشاپور». مجله اثر، شماره‌های ۳۸ و ۳۹، صص: ۹۹-۸۵.
- صالحی‌کاخکی، احمد؛ و اصلانی، حسام، (۱۳۹۰). «معرفی دوازده گونه از آرایه‌های گچی در تزئینات معماری اسلامی ایران». مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۳، شماره ۱، صص: ۹۳-۱۱۰.
- گریشمن، رومن، (۱۳۷۹). بیشاپور. ترجمه اصغر کریمی. جلد اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (پژوهشگاه).
- گریشمن، رومن، (۱۳۹۱). هنر ایران در دوران پارت و ساسانی. ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مهیار، محمد، (۱۳۷۸). «پیشینه پژوهش‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی در بیشاپور». مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ و شهرسازی ایران، جلد دوم، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، صص: ۶۹-۱۱.
- نوروزی، رضا، (۱۳۸۴). «مسجد جامع بیشاپور (پنجمین فصل از دور سوم مطالعات باستان‌شناسی بیشاپور)». مجموعه مقالات دومین همایش باستان‌شناسان جوان ایران، به‌کوشش: شهرام زارع، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (اداره کل امور فرهنگی).
- واندنبرگ، لویی، (۱۳۷۹). باستان‌شناسی ایران باستان. ترجمه عیسی بهنام، تهران: دانشگاه تهران.
- هرمان، جورجیانا، (۱۳۷۳). تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان. ترجمه مهرداد وحدتی‌دانشمند، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- Azarnoush, M., (1994). *The Sasanian major house at hajiabad, Iran*. Monography Di Mesopotamia II. Florence. Case Editrice Letter.

- Meldgaard, J.; Mortensen, P. & Thrane, H., (1963). "Excavations at Tepe Guran, Luristan". *Acta Archaeologica*, No. XXXIV, Pp: 97-13

- Negahban, E., (1991). *Excavations at Haft Tepe, Iran*. University Museum Monograph, 70, University of Pennsylvania, Philadelphia.

- Thompson, D., (1976). *Stucco from Chal Tarkhan Eshghabad near Rayy*. London: Aris And Phillips.